



مطابق هر هفته پس از پخش اپیزود جدید وست ورلد از شبکه HBO، آن را بررسی و نقد می‌کنیم. در اپیزود ششم سریال وست ورلد، چند مورد از داستان‌های قبلی مطابق انتظار پیگیری شد اما اتفاقات غیرمنتظره دیگری هم افتاد که یکی از آنها خبر خوشی برای بینندگان سریال وست ورلد محسوب می‌شود.

| فصل دوم - قسمت ششم | | فضای فازی | انتشار: 6 خرداد (May 27) |
|------------------------------------|--------------------------------------|-------------------------------------|-------------------------------------|
| خلاصه فصل اول | فصل دوم - قسمت اول | فصل دوم - قسمت دوم | فصل دوم - قسمت دوم |
| فصل دوم - قسمت سوم | فصل دوم - قسمت چهارم | فصل دوم - قسمت پنجم | فصل دوم - قسمت پنجم |

بد نیست ابتدا در مورد نام **قسمت ششم از فصل دوم سریال westworld** صحبت کنیم. در نظریه سیستم دینامیکی، فضای فازی فضایی است که در آن تمام حالات ممکن یک سیستم ارائه شده و هر حالت به یک مکان یکتا اشاره دارد. به عبارت دیگر، گرافی است که تمام حالات به یکباره روی آن قرار گرفته‌اند و همه آنها بطور همزمان قابل مشاهده است. در این قسمت نیز همه چیز **وست ورلد** بیرون ریخته شد. به 6 داستان مختلف (شامل داستان دلورس، میو، برنارد، آرنولد، ویلیام، شارلوت) پرداخته شد، پای اکثر کارکترهای مرده و زنده به میان آمد، مکان‌هایی نشان داده شد و اسم‌های خاصی بیان شدند و خلاصه اینکه همه چیز را می‌توانید به یکباره در این اپیزود ببینید.

در حال حاضر در میانه‌های فصل دوم قرار داریم و طبیعی است که مسائلی تا به حال روشن شده و مسائلی در آینده بررسی خواهد شد. **قسمت ششم سریال westworld** پرونده شوگان ورلد را بست و از طرفی راه ورود به «میسا» را باز کرد که چند قسمتی بود منتظر آن بودیم. بنظر می‌رسد که سایر اپیزودها از دل **اپیزود ششم** بوجود آیند. چرا که هر کدام از اتفاقات انجام شده خود می‌تواند کل یک اپیزود را دربرگیرد. در ادامه با نقد بررسی و قسمت ششم از وبسایت شبکه همراه باشید.



تدی ورژن 2.0

«مردی که داخل قطار بود، ضعیف و بازنده بود. فراموشش کن». این توصیفی است که تدی از نسخه قبلی خودش به زبان می‌آورد. تدی ضعیف دیگر مرده است. او اکنون نگاهی سرد و رفتاری وحشیانه دارد و به کاری که قرار است انجام دهد، اطمینان دارد. پسر خوب داستان ما اکنون تنها به خاطر تلف شدن وقتش، به مردم شلیک می‌کند. دلورس هم اگرچه به چیزی که می‌خواسته رسیده است اما یک نگرانی جدید بر چهره‌اش نقش بسته است؛ احتمالاً به خاطر اینکه مردی که دوستش داشته، اکنون بویی از عاطفه نمی‌برد. با این حال فعلاً، هدف بزرگتر از این حرف‌هاست که مسائل شخصی وارد آن شود.

شارلوت با دزدیدن «ایرناتی» خودش را به دشمن شماره یک دلورس تبدیل کرده است. او پس از فرستادن اطلاعات به بیرون از پارک، به بدترین شکل ممکن ایرناتی را متوقف می‌کند. خشم دلورس پس از اینکه پدرش را می‌خکوب ببیند، جذاب خواهد بود. جدا از همه این‌ها جنگ در حال آغاز است. کمک شارلوت از راه می‌رسد و فرماندهی تیم جدید بر عهده شخصی به نام کافلین است (با بازی تیموتی مورفی که در انواع و اقسام فیلم‌های اکشن نقش داشته است). آنها دقیقاً زمانی به میسا می‌رسند که دلورس با فرستادن قطار به دل کوه، شیپور جنگ را به صدا درآورده است. از اینجا به بعد انتظار داریم که **سریال وست ورلد**، فاز بعدی درگیری‌ها را به نمایش درآورد.



بازگشت رابرت

سکانس افتتاحیه و اختتامیه این قسمت ششم از فصل دوم سریال **westworld** یک سر و گردن از سایر سکانس‌ها بالاتر بود. بهترین خبر ممکن بازگشت «آنتونی هاپکینز» محبوب در نقش «رابرت فورد» است که انصافاً کمتر کسی انتظار آن را داشت. ابتدا با این کلیپ، سکانس مربوطه را یادآوری می‌کنیم.

اگر ویدئو تمام صفحه نمی‌شود [اینجا](#) کلیک کنید

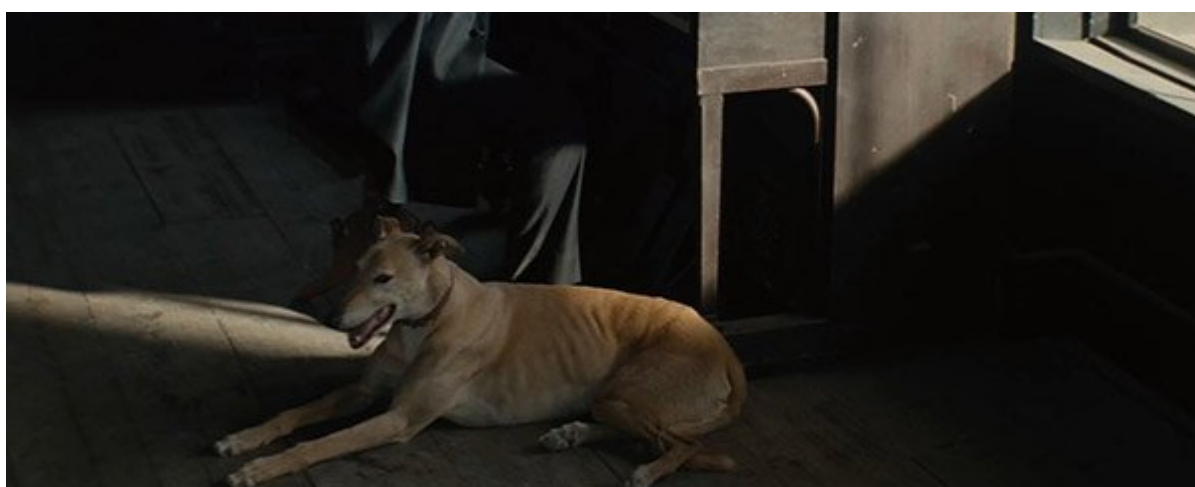
بله همه از وجود هاپکینز هیجان‌زده هستند بخصوص که در فصل اول نقش‌آفرینی فوق‌العاده‌ای داشت و داستان طوری رقم خورد که او به یک قهرمان تبدیل شود. او حالا برگشته است تا افشاگری کند. اما رسیدن رابرت فورد به هسته مرکزی پارک چگونه ممکن است؟ او از برنارد خواسته بود که در تأسیسات دلوس، مغزش را در یک گوی قرمز رنگ بسازد و در واقع ذهن رابرت در یک گوی دانلود شده بود. با بارگزاری این گوی در کِریدل (شبه‌سازی که تمام کد میزبان‌ها و خط داستانی در آن ذخیره شده است) رابرت به طور کامل جزئی از سیستم مرکزی پارک شد.

با معرفی کِریدل، پیچیدگی وست ورلد به نصف کاهش پیدا کرد و جواب سوالات بسیاری مشخص شد. السی اشاره کرد که چیزی نامعلوم درون کِریدل وجود دارد که با حملات تضمین کیفیت مقابله می‌کند. در صورتی که خود کِریدل نباید هیچ اختیاری از خود داشته باشد و جز نگهداری داده‌ها کاری انجام نمی‌دهد. مشخص شد که این مقابله توسط رابرت صورت می‌گرفته است. مورد دیگر صحبت رابرت با مرد سیاه‌پوش بود که در قالب چند میزبان انجام و این هم به دلیل دسترسی فورد به کد میزبان‌ها ممکن شده است. داستان السی هم مورد دیگری است که فورد برای آن برنامه‌ریزی کرده بود. اینکه کلمنتاین، برنارد را به سمت السی بکشاند و السی او را برای رسیدن به کِریدل کمک کند، تمهیداتی بود که رابرت پیش‌تر اندیشیده بود. اما این پایان کار نیست. اگر ابتدای قسمت قبل را به یاد آورید، نماینده دلوس متوجه شد که 1/3 از داده‌های میزبان‌ها از بین رفته است. «آتش را خاموش کردیم ولی نتونستیم چیزی از کِریدل بدست بیاریم. داده پشتیبان میزبان‌ها از بین رفته است». احتمال بسیار از بین رفتن داده‌ها و همچنین کشتار تعداد زیادی از میزبان‌ها توسط برنارد، به شرایط کِریدل ربط دارد.



سری به فصل اول بزیم. رابرت در آخرین سخنرانی خود گفت: «زمانی به دوست قدیمی چیزی گفت که بهم آرامش داد. اون گفت موتسارت، بتهوون و شوپن هرگز نمردند بلکه به موسیقی تبدیل شدند». فورد هم اکنون چنین وضعیتی دارد. او جزئی از کدهای پارک و چیزی است که خودش ساخته است. زمانی که می‌بینیم او پیانو می‌نوازد، این در واقع استعاره‌ای از پارک است که فورد آن را کنترل می‌کند.

اینکه رابرت خودش را پرینت خواهد گرفت یا نه و اینکه ذهنش را در یک بدن جدید قرار خواهد داد یا نه، چیزی است که نمی‌دانیم و می‌توان مدت زیادی در موردش صحبت کرد. تنها به ذکر یک نکته دیگر درباره رابرت قناعت می‌کنیم. در سکانشی مستقل از قسمت پنجم فصل اول، او در سردخانه، خاطره‌ای برای یک میزبان سالخورده تعریف می‌کند: «وقتی بچه بودم، من و برادرم به سگ می‌خواستیم و پدرم به تازی پیر برامون گرفت. به روز بردیمش به پارک و برادرم افسارش رو باز کرد. اون به گربه دید و دنبالش کرد. گربه رو کشت و بعدش گیج و مبهوت همونجا نشست. اون سگ تمام عمرش مشغول دنبال کردن اون چیز بود و حالا نمی‌دونست باید چیکارش کنه». شاید موضوع مهم بنظر نرسد اما در قسمت بعدی رابرت کودک به رابرت واقعی گفت که سگش را کشته است. وقتی او دلپش را پرسید گفت که صدای آرنولد خواسته است تا سگ را بکشم تا دیگر نتواند به کسی صدمه برساند. در **قسمت ششم از فصل دوم سریال وست ورلد** نیز یک سگ تازی دیدیم که در کنار فورد و پیانو آرام گرفته بود.



خط داستانی میو با اندکی تغییر

قابل پیشبینی بود که راه «آگانه» از میو جدا شود. با اینکه وجود موساشی و آگانه می‌توانست به اهداف میو کمک

کند اما میو تصمیم را به عهده خود آنها گذاشت. آنها محیط بیرون را ندیده‌اند و شرایط را درک نکرده‌اند؛ پس بهتر است که زندگی خود را به همین شکلی که هست، ادامه دهند. در غیر این صورت آنها مانند تدی 1 خواهند بود؛ می‌جنگند اما دلیل آن را نمی‌دانند. همچنین میو نیازی به آنها نداشت. اهداف میو و دلورس با یکدیگر تفاوت زیادی دارد. دلورس به دنبال فتح زمین‌هاست اما میو تنها در جستجوی دخترش و پنهان کردن او از جهنم فعلی است. پس از بزرگداشت کشته‌شدگان با دنیای شوگان خداحافظی کردیم و شخصیت‌ها وارد دنیای غرب شدند. البته یک سوغاتی هم به نام هاناریو(زنی با خالکوبی اژدها) به همراه آوردند.



لحظه‌ای که آنها از زیر سنگ قبر بیرون آمدند، انگار که پس از سال‌ها پا به وطن مادری خود گذاشته‌اند؛ حتی انسان‌های واقعی که در این دنیا در حال شکار شدن هستند. اما بدون شک، لذت میو بی‌پایان خواهد بود. او علاوه بر رسیدن به وست‌ورلد، در یک قدمی خانه و دخترش قرار دارد. میو آرام آرام و با لمس اشیای اطراف به دخترش نزدیک می‌شود و با او به گفتگو می‌نشیند. درست در لحظه‌ای که حس می‌کند به هدفش رسیده، متوجه می‌شود که چیزی را از قلم انداخته است. میو دیگر آن میو خط داستانی نیست. از مسیر منحرف شده است و کسی را جایگزین او کرده‌اند. پس اگرچه او خودش را مادر بچه می‌پندارد اما در ذهن بچه چیز دیگری می‌گذرد.

فرصت پرداختن به این موضوع پیش نیامد چرا که سرخپوستان مطابق با خاطرات میو، حمله را آغاز کردند. اما بنظر نمی‌رسید که قصد صدمه زدن به میو را داشته باشند. حالا اگر بیشتر هم به گذشته نگاه کنیم می‌بینیم که قتل دختر میو توسط سرخپوستان صورت نگرفت. هر چند آنها را در پشت پنجره می‌دید اما این ویلیام سیاه‌پوش بود که وارد خانه شد و اسلحه کشید. پس این مورد هنوز به عنوان یکی از رازهای مهم سریال باقی مانده است.

مطلب پیشنهادی



آخر هفته با شبکه: نامزدهای اسکار 2018 در بخش بهترین فیلم
ویدئو: معرفی بهترین فیلم‌های سال در اسکار 2018 در قالب یک کلیپ (بخش اول)

صحبت از ویلیام شد و بد نیست سری به داستان او بزنیم. در فصل اول از ویلیام سیاه‌پوش تنها یک قاتل بی‌رحم می‌دیدیم. نقش او بیشتر از هر چیزی کشتن افراد، بدون هیچ دلیل و منطقی بود. فصل دوم جایی که است که داستان خانوادگی ویلیام بیشتر به میان آمده و گهگاه با احساسات نیز همراه شده است. این بار مکالمه‌های سخت بین

گریس و ویلیام برقرار می‌شود طوری که بنظر می‌رسد سال‌ها از آخرین مورد مشابه گذشته است. برخلاف چیزی که تصور می‌شد، گریس چندان شبیه به پدرش نیست و خانواده برای او با ارزش‌تر از کنجاوی در پارک است.



گریس در خلوت با پدرش در مورد کودکی و پارک «راج» سخن می‌گوید و ما متوجه می‌شویم که این پارک هم قدمت زیادی دارد (حداقل از 5-6 سالگی گریس). ویلیام همچنین به اشتباه فکر می‌کند که دخترش از فیل‌ها می‌ترسیده (نه همسرش) و این نقطه ضعفی برای ویلیام محسوب می‌شود که تا این حد آنها را فراموش کرده است. یکدستی زدن ویلیام برای گریس خوشایند نبود اما به ویلیام حق می‌دهیم که این بار در پارک باقی بماند. چرا که این بار مأموریت او فراتر از شخص خودش است و باید در یک بازی با فناوری روبات‌ها مقابله کند.

نیمه انسان، نیمه میزبان

برمی‌گردیم به اولین سکانس **قسمت هشتم سریال وست ورلد** و اولین سکانس فصل دوم. آرنولد و دلورس در مکان و زمانی نامعلوم با یکدیگر صحبت می‌کنند. در حالی مثل همیشه فکر می‌کردیم آرنولد در حال تست دلورس است، این دلورس بود که آرنولد/برنارد را تست می‌کرد؛ آن هم تست وفاداری. تست وفاداری همان چیزی است که ویلیام برای پدرزن خود انجام می‌داد و قصد ساخت یک مدل ترکیبی از انسان و روبات را داشت.



در اینجا سوالات بسیاری مطرح می‌شود. اول اینکه آیا دلورس قصد دارد نسخه‌ای از آرنولد/برنارد را برای خود بسازد؟ و آیا برنارد(هایی) که در طول این 16 قسمت دیدیم همین برنارد دلورس است؟ اگر این‌ها کار دلورس نیست، پس به خواسته رابرت انجام شده است و از دلورس به این دلیل کمک گرفته شده که او صحبت زیادی با آرنولد داشته است. باز هم سوال مطرح می‌شود که قصد رابرت از این کار چیست؟ آیا او هم شبیه ویلیام، قصد بازگرداندن مرده‌ها را دارد؟ از دلیل کار که بگذریم به زمان می‌رسیم. در ابتدا بنظر می‌رسد که گفتگو در گذشته باشد. اگر دقت کرده باشید نسبت ابعاد تصویر در زمان تست دلورس با زمانی که برنارد وارد کریدل می‌شود یکسان است. پس می‌توان برداشت کرد که ممکن است این گفتگوها در داخل کریدل و حتی در زمان آینده انجام شده باشند.

همانطور که گفتیم **قسمت ششم از فصل دوم سریال وست ورلد**، نقشه راه برای سایر اپیزودهاست و آینده 4 قسمت باقیمانده از این اپیزود استخراج خواهد شد. به عنوان آخرین نکته تصویری از برنارد را قرار می‌دهیم که در تریلر قسمت هفتم مشاهده کردیم. بیچاره برنارد خودش هم نمی‌داند کیست، در چه زمانی است و چند نسخه از او وجود دارد.



تاریخ انتشار:
09 خرداد 1397

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/entertainment/13082/%D9%86%D9%82%D8%AF-%D9%88-%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D9%82%D8%B3%D9%85%D8%AA-%D8%B4%D8%B4%D9%85-%D8%A7%D8%B2-%D9%81%D8%B5%D9%84-%D8%AF%D9%88%D9%85-%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%84-westworld>